

# نزول قرآن

محمدفاکر میبیدی  
دکترای علوم قرآنی

## چکیده

در این مقاله، ضمن تعریف چند مفهوم همچون صفات تنزیلی، نزول و مفهوم تدریج، مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است. در این بررسی، ابتدا، سیر نزول مطرح شده و سپس به مفاد واژه‌های تنزیل، منزل و نازل، پرداخته شده است. بقیه مباحث دیگر این مقاله، بحث‌های اجمالی دیگری در مورد زمان و مکان نزول، اولین آیات نازل شده و ویژگی‌های فرشته مأمور نزول، می‌باشد.

کلید واژه‌ها: قرآن، علوم قرآنی، نزول، گاه‌علوم انسانی و مطالعات قرآنی

رتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

یکی از مباحث مهم در حوزه قرآن‌شناسی، بحث از نزول قرآن و چگونگی آن است که از دیر زمان تاکنون مورد توجه دانشمندان، مفسران و پژوهشگران حوزه قرآن قرار داشته است و هر دانشمندی که به مباحث علوم قرآن یا تاریخ قرآن پرداخته است به عنوان بخشی از مباحث تاریخ قرآن مطرح کرده است و هرکس در این وادی، گام نهاده است از نزول قرآن و انواع نزول آن نیز، سخن گفته است که در این مختصر نیز به شمه و نکاتی از بحث نزول، لیکن از زاویه نگاه قرآن به موضوع پرداخته و در قالب چند مطلب، نظری بدان می‌افکنیم.

### مطلب اول: صفات تنزیلی قرآن

منظور از صفات تنزیلی، آن دسته از صفات قرآن است که بیانگر نزول قرآن از سوی خداوند سبحان است. در کنار دیگر اوصاف قرآن که از زوایای دیگر به معرفی این کتاب پرداخته‌اند، مانند: عربی، محکم، متشابه، مبین که به نحوه بیان قرآن پرداخته است و یا صفات تفصیل، تصدیق و مهیمن که به هیمنه قرآن، نسبت به کتب آسمانی اشارت دارد و یا صفات آیات، بصائر، بینات، تذکره، موعظه و نور که از زاویه بیدارگری و روشنگری قرآن، سخن گفته است، چنانکه صفات برهان، حق، حکمت و علم، ناظر به اتقان و استواری این کتاب عزیز و شکست‌ناپذیر می‌باشد. قرآن کریم به طور مکرر و بیش از یکصد و شصت بار به این حقیقت اشارت کرده است که این کتاب نازل از سوی پروردگار است، مجموع صفات، بیانگر نزول قرآن اعم از تصریحی<sup>۱</sup> یا انتزاعی<sup>۲</sup>، اصلی<sup>۳</sup> یا تبعی<sup>۴</sup> عبارت است از:

۱ - تنزیل، خداوند سبحان در موارد متعددی، از قرآن به تنزیل تعبیر کرده و می‌فرماید: «تنزیل من رب العالمین (واقعہ: ۸۰)». و «تنزیل من الرحمن الرحیم (فصلت: ۲)». و نیز فرمود: «و نزلناه تنزیلاً (اسراء: ۱۰۶)». تعبیر به تنزیل، نه بار دیگر نیز در قرآن، تکرار شده است.<sup>۵</sup>

۲ - منزل، نازل کننده این کتاب آسمانی در جای دیگر از قرآن، تعبیر به منزل کرده و می‌فرماید: «انه مُنزلٌ من ربك بالحق (انعام: ۱۱۵)». چنان که از افعال «نزل» و «ینزل» نیز استفاده می‌شود.

چنان که پیش از این نیز یادآوری شد صفات قرآن، منحصر به صفات تصریحی نمی‌شود بلکه اوصاف انتزاعی را نیز در بر می‌گیرد، از این رو، این صفات نیز شکار و آشکار می‌شود.

۳ - منزل، چنان که از آیات مشتمل بر فعل «انزل» و «ینزل» به دست می‌آید، از جمله آیه شریفه «و انزلنا الیک الكتاب بالحق (نساء: ۱۰۵)» و در ادعیه نیز به این صفت اشارت شده است. چنان که در دعای شب قدر می‌خوانیم که امام صادق(ع) به زراره فرمود: در سه شب رمضان [شب‌های قدر] قرآن بر سر بگیر، و آن را بگشای و جلوی رو خود، قرار داده و بگو: «اللهم انی اسئلك بکتابک المنزل و ما فیہ و فیہ اسمک الاکبر».<sup>۶</sup>

۴ - نازل، این وصف انتزاعی است که از آیه شریفه «و بالحق نَزَّلَ (اسراء: ۱۰۵)»، و آیه شریفه «نَزَّلَ به الروح الامین (شعراء: ۱۹۳)» می‌توان دریافت کرد.

۵ - منتزل، این نیز، وصف انتزاعی است که از نفی تنزل قرآن به وسیله شیطان‌ها، استفاده می‌شود، زیرا در این باره می‌فرماید: «و ما نَزَّلَتْ به الشیاطین و ما ینبغی لهم و ما یمستطیعون (شعراء: ۲۱۰)»، که با نفی تنزیل و القاء شیطانی، الهی بودن آن را به اثبات می‌رساند و می‌فرماید: «الرحمن عَلَّمَ القرآن (رحمان: ۱)».

باید، توجه داشت که یکی از مهمترین راه‌های آگاهی از حقیقت قرآن، توجه تام به نام‌ها و صفات قرآن است که خود، منبع سرشار و غنی در راستای قرآن‌شناسی به شمار می‌رود. از این روی از زمان‌های گذشته تا به امروز، هر کسی بر مبنای بینش یا به فراخور فرصت به دست آمده، نام‌هایی را برای قرآن، استخراج و به نوعی دسته‌بندی نموده است، از جمله زرکشی و سیوطی.<sup>۷</sup> فیروزآبادی نیز به بیش از نود اسم، اشارت کرده است.<sup>۸</sup>

منظور از وصف در مقابل اسم که معرف ذات شیء باشد، بیانگر زیبایی‌ها، نشانه‌ها، احوال و کیفیت‌های آن ذات است، از این رو، در کاربرد وصف، مراعات معنای آن، ضروری است.

البته مراد از وصف در این جا، مطلق آن چیزی است که می‌تواند در شناساندن قرآن، مؤثر و بیانگر بعدی از ابعاد وجود آن باشد، خواه به صورت صفت و موصوف باشد، یا مسند و مسندالیه و یا با جمله فعلیه باشد مثل وصف معلم برای پیامبر (ص) از آیه «یعلمهم الكتاب والحكمة (جمعه: ۳)». و نیز هادی بودن قرآن از آیه «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم (اسراء: ۹)».

یادآور می‌شود، از آن جا که برخی از اوصاف قرآن از جمله وصف «تنزیل» به صورت مصدر بیان شده و مصدر، قابل حمل بر موصوف نیست مگر با وساطت «ذو» و یا «تأویل بردن» آن به اسم وصفی چون: اسم فاعل، اسم مفعول و صفت مشبیه، از این روی، اوصافی چون تبیان، تنزیل، عجب و امثال آن که مصدرند در واقع به معنی مبین، منزل و عجیب می‌باشد. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که رمز و راز به کار بردن مصدر در چنین توصیف‌هایی، رعایت مبالغه و فزونی در وصف است.

### مطلب دوم: مفهوم نزول قرآن

نزول و تنزیل قرآن از مبدأ ربوبی به معنی نزول معنوی است، یعنی از مقام بالا و مقام رب (خدا) به

مقام پائین (محمد) و سپس به مرتبه پائین تر یعنی مردم، ابلاغ شده است، چنان که گوئی در ابلاغ دستورالعمل های اداری نیز که از مقامی برتر صادر می شود هر چند در طبقه پائین ساختمان نیز مستقر باشد، باز نیز مقام عالی است. البته باید توجه داشت که قرآن هر چند نزول کرده است لیکن در عین حال با حفظ مقام و منزلت بالای خود، می باشد که فرمود: «لَدِينَا لَعْلَى حَكِيمٍ (زخرف: ۴)». این بدان معنی است که اگر به رتبه پائین تر، تنزل یافته از منزلت آن کاسته نشده است و این تنزل و نزول، تنها برای حضور در میان مردم و فهم و تدبرشان است و لذا لباس عربیت بر آن پوشیده شد که فرمود: «انا انزلناه قرآنا عربيا لعلكم تعقلون (یوسف: ۲)».

نکته قابل توجه این که برای ظهور و حضور قرآن در میان انسان ها، یک سویه عمل نشد و تنها قرآن، نزول نکرد بلکه پیامبر (ص) نیز ارتقاء یافت و به سوی بالا پرکشید و به مقام «دَنِّي فَتَدَلِّيْ فِكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ اَوْ اَدْنَى فَاَوْحَى اِلَى عَبْدِهِ مَا اَوْحَى (نجم: ۸ - ۱۰)»؛ و «ان يبعثك مقاما محموداً (اسراء: ۷۹)» رسید تا توانست، قرآن را دریافت و به انسان برساند.

### مطلب سوم: سیر نزول قرآن از مبدا تا مقصد

قرآن، در خلال آیات به این حقیقت اشارت دارد که قرآن از مبدا ربوبی نازل شده و به وسیله پیک وحی بر قلب پیامبر (ص) فرود آمده و آن حضرت، آن را بر مردم، ابلاغ نموده است. چرا که می فرماید: «تنزيل من رب العالمين (واقعه: ۸۰)» و نیز فرمود: «تنزيل من الله العزيز الحكيم (زمر: ۱)»<sup>۹</sup>.

تعبیر به «نزل به الروح الامين (شعراء: ۱۹۳)» بیانگر این است که قرآن به وسیله پیک وحی یعنی جبرئیل، فرود آمده است و براساس «علی قلبک باذن الله» فرودگاه نخستین آیات، قلب پیامبر (ص) می باشد و بر پایه «لتبين للناس ما نزل اليهم (نحل: ۲۴)» مقصد نهائی قرآن، مردم هستند که می بایست از هدایت آن، بهره مند شوند.

جالب توجه این که، قرآن در مسیر نزول خود از مبدا ربوبی تا حضور در میان مردم، در همه منازل و مراحل، توأم با کرامت است. چرا که درباره مبدا نزول می فرماید: «ان ربی غنی کریم (نمل: ۴۰)». درباره پیک نزول می فرماید: «انه لَقَوْلُ رَسُوْلِ كَرِيْمٍ (تکویر: ۱۹)». درباره زمان نزول در ادعیه می خوانیم که: «هذا شهر عَظْمَتِهِ وَ كَرَمَتِهِ وَ فَضْلَتِهِ عَلَي الشُّهُورِ»<sup>۱۰</sup>. درباره مکان نزول می فرماید:

«ولا تخلنى من تلك المواقف الكريمة»<sup>۱۱</sup> درباره منزلگاه قرآن می فرماید: «انه لقول رسول كريم (حاقه : ۴۰)». نسبت به نظام عمل کننده به قرآن در دعا می خوانیم که: «اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة»<sup>۱۲</sup> درباره انسان به عنوان مخاطب این قرآن، می فرماید: «لقد كرمتنا بنى آدم (اسراء: ۷۰)». نسبت به اجر عامل به قرآن نیز می فرماید: «واعدهم اجرا كريماً (احزاب: ۴۴)».

### مطلب چهارم: تعدد نزول؟

کانون اصلی این بحث از منظر این است که آیا مفاد صفات یاد شده به خصوص «تنزیل»، «منزل» و «نازل» یکسان است یا این که هر کدام، پیام رسان نوعی خاصی از معنی هستند؟ برخی از بزرگان چون علامه طباطبائی، مکارم شیرازی و جوادی آملی، بر این عقیده اند که تعدد تعابیر، بیانگر تعدد معانی است.<sup>۱۳</sup> البته، این دیدگاه بعضی از محدثان چون شیخ صدوق، علامه مجلسی و بسیاری از دانشمندان اهل سنت نیز، می باشد.<sup>۱۴</sup> برخی دیگر از جمله استاد معرفت و جعفر مرتضی، بر این باورند که تعدد نزول، منتفی است.<sup>۱۵</sup> ضمن پذیرش این مطلب که قرآن به صراحت، نزول تدریجی را تأیید می کند و به گونه غیر مستقیم به نفی دفعی بودن، می پردازد و می فرماید: «قال الذين كفروا لولا نزل عليه القرآن جملة واحدة كذلك لثبت به فؤادك و رتلناه ترتيلاً (فرقان: ۳۲)»، که با جمله «كذلك» تأیید می کند که این قرآن، «جمله واحده» نبوده است.

از زاویه دید قرآن، به نظر می رسد تعبیر به «نزل» فارغ از نوع نزول است و تنها در صدد بیان حقیقت نزول قرآن می باشد، چرا که می فرماید: «و بالحق انزلناه و بالحق نزل (اسراء : ۱۰۵)». همچنین تعبیر «تنزل» نیز در مقام نفی القاء شیطانی است و در مقام بیان نوع نزول، نمی باشد. اما به نظر می رسد دو تعبیر «انزال» و «تنزیل» هر کدام، اشارت به نزول خاصی باشد بدین معنی که تنزیل، اشارت به نزول تدریجی و انزال، اشارت به نزول دفعی باشد و این نظریه را می توان از منظر قرآن به چند دلیل تقویت نمود:

اول؛ کاربرد واژه ها و مشتقات این دو باب از قبیل «انا انزلناه فی لیلة القدر (قدر : ۱)» و «شهر رمضان الذی انزل فيه القرآن (بقره: ۱۸۴)»، بیانگر ظرف زمانی محدود در نزول است و «و انزل التوراة والانجیل (آل عمران: ۳)»، که این دو کتاب دفعی و در الواح بوده است و «و انزل الله سکتته علی رسوله (توبه: ۴۰)»، که تمام این موارد در نزول دفعی است و نیز «قرآنا فرقناه لتقرأه علی

الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً (اسراء: ۱۶۰)، «لتبین للناس ما نزل الیهم (نحل: ۴۴)» که بیانگر تدریجی بودن است.

دوم؛ تفاوت تعبیر در نزول بر پیامبر (ص) و نزول به سوی مردم که در سوره نحل آمده و می‌فرماید: «و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم (نحل: ۴۴)». آنچه در نزول بر پیامبر (ص) به کار برده است انزال و آن چه در نزول بر مردم به کار برده است، تنزیل است و این دو، نمی‌تواند مترادف باشد چرا که نزول به دو مقصد و دو واسطه را بیان می‌کند.

سوم؛ این که در سوره انعام می‌فرماید: «قل لا اجد فیما اوحی الی محرماً علی طاعم یطعمه الا ان یکون میتة او دماً مسفوحاً او لحم خنزیر فانه رجس (انعام: ۱۴۵)»، در حالی که این، اولین سوره مکی است که درباره میتة، خون و گوشت خوک سخن می‌گوید، گرچه بعد از آن در سوره‌های نحل، بقره و مائده، مجدداً آن را بیان نموده است. حال، این پرسش رخ می‌نماید که در چه زمانی و در کجا به پیامبر (ص) این احکام وحی شده که آن حضرت، احکام دروغین اختصاص جنین حیوانات به مردان و حرمت آن بر زنان و نیز شراکت همگان در جنین مرده و اختصاص زنده‌ها به مردان را در آن نمی‌یابد که می‌گفتند: «ما فی بطون هذه الانعام خالصة لذكورنا و مُحَرَّم علی ازواجنا و ان یکن میتة فهم فیه شرکاء... و حرّموا ما رزقهم الله (انعام: ۱۳۹ - ۱۴۰)».

چهارم؛ تعبیر «انا انزلناه فی لیلة القدر (قدر: ۱)»، و «انا انزلناه فی لیلة مبارکه (دخان: ۳)»، و «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن (بقره: ۱۸۴)»، زیرا، اگر بخواهیم، این آیات را حمل بر سرآغاز نزول کنیم، می‌بایست، ضمیر در دو آیه نخست و قرآن در آیه سوم را، حمل بر جزئی از قرآن کنیم که خلاف ظاهر است.

و اما این که فرمود: «کذلک» و تأیید کرد که این قرآن «جمله واحده» نبوده است، نمی‌تواند دلیلی بر نفی دفعی بودن باشد چرا که بیاتگر دید مردم در دریافت قرآن است و شکی نیست که قرآن برای مردم با تعبیر «ما نزل الیهم» تدریجی بوده و پیامبر (ص) نیز به تدریج به آن‌ها، ابلاغ می‌کرده است.

اگر دو نزول را بپذیریم که بعید هم نیست، آن گاه، نوبت آن است تا روشن شود نزول دفعی چه زمانی، کجا، چگونه و برای چه بوده است؟ که اجمالاً در خصوص زمان نزول می‌توان گفت ماه مبارک رمضان، ظرف زمانی این نزول است چرا که در یک جا می‌فرماید: «انا انزلناه فی لیلة القدر

«قدر: ۱» و در جای دیگر می‌فرماید: «انا انزلناه فی لیلة مبارکة (دخان: ۳)»، که مبین نزول قرآن در شب قدر و شبی با برکت است و در جای دیگر فرمود: «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن (بقره: ۱۸۴)». با چینش این آیات در کنار هم، این نتیجه به دست می‌آید که نزول دفعی قرآن در شب قدر و شب قدر در ماه رمضان، قرار دارد.

### مطلب پنجم: زمان و مکان نزول

درباره زمان نزول قرآن باید گفت: براساس گواهی تاریخی، مدت این نزول، بیست و سه سال از سال چهلم عام الفیل (۲۷ رجب) تا سال یازدهم پس از هجرت بوده است و تقسیم آیات و سوره‌ها به مکی و مدنی، مطابق ملاک زمانی بر همین اساس است. آری، قرآن کریم، خود به حقیقت دیگر درباره زمان نزول اشارت دارد و می‌فرماید: «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن (بقره: ۱۸۴)» و نیز «انا انزلناه فی لیلة مبارکة (دخان: ۳)» که پس از این، بدان اشارت خواهد شد.

از نظر مکان، نزول در شهرهای مکه و مدینه و اطراف آن دو صورت گرفته است و تقسیم آیات به مکی و مدنی با ملاک مکانی، اشارت به همین حقیقت دارد. و بسا بتوان به برخی از آیات نیز بر این تقسیم، استشهاد نمود از جمله آیه شریفه «لا اقسم بهذا البلد و انت حلُّ بهذا البلد (بلد: ۱-۲)» و آیه «و هذا البلد الامین (تین: ۳)» که اشارت به شهر مکه دارد و آیه «والذین فی قلوبهم مرض و المرجفون فی المدینه کُفُرِینَکَ بهم ثم لایجاورونک فیها الاقلیلا (احزاب: ۶۰)» و آیه «یقولون لئن رجعنا الی المدینه (منافقون: ۸)» که درباره حضور منافقان و فعالیت آنان، در مدینه النبی است.

### مطلب ششم: تفاوت الیک و علیک

در موارد متعددی از قرآن در مساله نزول، تعبیر به «علی» است مثل: «نزل علیک الکتاب بالحق (آل عمران: ۳)» و «نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لک شیء (نحل: ۸۹)»، «هو الذی انزل علیک الکتاب (آل عمران: ۷)» و «انا انزلنا علیک الکتاب للناس بالحق (زمر: ۴۱)». چنان که در موارد بسیار دیگر، تعبیر به «الی» نموده است، از جمله: «و انزلنا الیک الذکر لتبین (نحل: ۴۴)» و «لتبین للناس ما نزل الیهم (نحل: ۴۴)» و «کتاب انزلناه الیک مبارک (ص: ۲۹)».

پرسشی که در این جا رخ می‌نماید، این که آیا، این دو تعبیر یکسان است یا این که مفید نکته ای

ظریف و متفاوت از یکدیگر است؟ به نظر می‌رسد به سادگی نتوان، آن‌ها را مرادف یکدیگر و بدون نکته دانست؛ زیرا دست کم براساس مفهوم لغوی تفاوت این دو واژه که یکی بیانگر استعلاء و تفوق و دیگری مفید غایت است را نمی‌توان انکار کرد، بنابراین، می‌توان گفت تعبیر به «علی» اشارت به نزول طولی و از مقام بالا دارد و تعبیر به «الی» اشارت به غایت و مقصد نزول، می‌باشد.<sup>۱۶</sup>

### مطلب هفتم: سرآغاز نزول قرآن

در این‌که، سرآغاز نزول قرآن، کدام سوره و آیه و در چه زمانی بوده است با توجه به پیوند وثیق این مسأله با سرآغاز بعثت، نظریات مختلفی از سوی دانشمندان علوم قرآنی ارائه شده است، از جمله: هفدهم ماه رمضان،<sup>۱۷</sup> دهم ماه ربیع الاول،<sup>۱۸</sup> بیست و هفتم رجب،<sup>۱۹</sup> کسانی که معتقدند؛ سرآغاز نزول، هفدهم رمضان بوده است به این آیه تمسک کرده‌اند که می‌فرماید: «و ما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان (انفال: ۴۱)»، این آیه با تعبیر «انزلنا» نزول را همان روزی می‌داند که «یوم الفرقان» و «یوم التقی الجمع» یعنی روز جنگ بدر (هفدهم رمضان) است. ولی، استدلال تمام نیست چرا که آیه، ناظر به نزول بخشی از قرآن یعنی حکم انفال و احکام غنائم جنگ بدر است، نه همه قرآن. مستند مسعودی که معتقد است روز دهم ربیع الاول، آغاز نزول است این است که پیامبر (ص) در چهل سالگی، مبعوث شد و این روز ولادت آن حضرت است. اما نظریه بیست و هفتم رجب که مورد اتفاق شیعه می‌باشد<sup>۲۰</sup> و روایات نیز، مؤید آن است،<sup>۲۱</sup> بدین معنی است که بعثت با نزول قرآن، آغاز شد یعنی در بیست و هفتم رجب با نزول آیات نخست سوره علق، نزول قرآن نیز آغاز شد ولی برخی از اعلام معاصر معتقدند که بیست و هفتم رجب، تنها سرآغاز بعثت بوده و نزول قرآن (به صورت تدریجی) در ماه رمضان شروع شد<sup>۲۲</sup> و بنا به گفته جعفر مرتضی، پیامبر (ص) در فاصله زمانی بین رجب و رمضان، آماده دریافت وحی می‌شده است، چرا که خود قرآن، می‌فرماید: «انا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً (مزل: ۵۰)».<sup>۲۳</sup> و بنا به گفته استاد معرفت، آیات نخست سوره علق به عنوان نبوت بوده است و قرآن به عنوان کتاب آسمانی در رمضان، نازل شده است.<sup>۲۴</sup>

لیکن به نظر می‌رسد، نظریه اخیر با دشواری روبرو است چرا که باید پذیرفت که آیات نخست



سوره علق، ابتداء جزء قرآن نبوده و بعدا به قرآن ملحق شده است و یا تعدد نزول داشته و تنها یک بار آن در قرآن، ثبت شده است!

### مطلب هشتم: اولین نازل و آخرین نازل

در این که اولین سوره نازل شده قرآن چه بوده است نیز، اختلاف دیدگاه عمیق وجود دارد چرا که برخی بر این باورند که نخستین سوره نازله، فاتحة الكتاب است.<sup>۲۵</sup> با این استدلال که نام فاتحه به عنوان آغازگر کتاب است لیکن ممکن است وجه نامگذاری به دلیل آغازگری در تدوین باشد نه در نزول. برخی دیگر، معتقدند که سوره مدثر، سوره نخستین، می باشد.<sup>۲۶</sup> بسیاری عقیده دارند که آیات نخستین سوره علق «اقرا باسم ربك الذی خلق \* خلق الانسان من علق \* اقرا و ربك الاکرم \* الذی علم بالقلم \* علم الانسان ما لم یعلم» اولین آیات نازله از سوی خداوند است.<sup>۲۷</sup> بر این معنی، روایات نیز دلالت دارد.<sup>۲۸</sup>

در جمع میان این دیدگاه‌ها، بسا بتوان گفت: اولیت علق به اعتبار نزول آیات نخستین آن، باشد و اولیت مدثر به اعتبار اولین سوره پس از فترت وحی باشد و اولیت سوره حمد به عنوان اولین سوره کامل باشد که بر پیامبر (ص) نازل شده است.

از سوی دیگر، اولین سوره در ردیف نزول، علق است.<sup>۲۹</sup> و اولین سوره مدنی، سوره بقره می باشد. آخرین سوره در ردیف نزول، براءت است و آخرین سوره مکی، سوره مطففین می باشد.

### مطلب نهم: نزول قرآن، مظهر صفات الهی

در بسیاری از موارد، خداوند سبحان به گاه سخن از نزول قرآن، وصفی از اوصاف خود نیز بیان می کند، چنان که می فرماید: «تنزیل من رب العالمین (واقعه: ۷۹)»، «تنزیل من العزیز الرحیم (یس: ۵)»، «تنزیل من العزیز الحکیم (زمر: ۱)»، «تنزیل من الرحمن الرحیم (فصلت: ۲)» و «تنزیل من رب العالمین (واقعه: ۷۹)» و یا نزول قرآن را همراه با وصفی از اوصاف آن بیان می کند، چنان که می فرماید: «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیرا (فرقان: ۱)» که منزل را فرقان، قلمداد کرده است و یا «فآمنوا بالله و رسوله و النور الذی انزلنا تغابن: ۸)» که قرآن را به نور، وصف کرده است و نیز این که، فرمود: «و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء (نحل: ۸۹)»

که قرآن را تبیان، معرفی نمود و «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس (بقره: ۱۸۵)»، که نشان از هدایت قرآن دارد.

به نظر می‌رسد، سخن گفتن از تنزیل همراه با معرفی مبدا نزول قرآن، اشارت به این حقیقت داشته باشد که نزول قرآن، مظهر آن صفات الهیه است یعنی قرآن، مظهر ربوبیت، رحمت، عزت، حکمت و علم پروردگار است. چنان که موصوف کردن قرآن به صفاتی چون: فرقان، نور، تبیان، هدی و امثال آن، بیانگر رسالت این کتاب آسمانی و جامعیت آن است.

### مطلب دهم: ویژگی‌های پیک نزول

قرآن کریم، افزون بر این که جبرئیل را پیک و واسطه نزول معرفی می‌کند، صفاتی نیز برای وی برمی‌شمارد، از جمله:

**روح الامین؛** چنان که فرمود: «انه لتنزیل رب العالمین نزل به الروح الامین علی قلبک (شعراء: ۱۹۵ - ۱۹۲)». این واسطه نزول، فردی امین و درستکار است و این خود، گواهی بر صیانت قرآن از دگرگونی در مسیر نزول و حراست از دستبرد شیاطین است.

**روح القدس،** چنانکه در جای دیگر از قرآن فرمود: «قل نزلہ روح القدس من ربک بالحق لیثبت الذین آمنوا و هدی و بشری للمسلمین (النحل: ۱۰۲)». یعنی واسطه روحی، پاک و طاهر از آلودگی‌های مادی و منزّه از اشتباه است.

**شدید القوی؛** چنان که می‌فرماید: «و ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی علمه شدید القوی (نجم: ۵ - ۳)». ضمیر «هو» که در حقیقت بر می‌گردد به گفتار و نطق پیامبر (ص)، در این جا، مبتدا و وحی، خبر آن است. یعنی خداوند، قرآن را به وسیله نیروی عظیم [جبرئیل امین] بر قلب پیامبر (ص) نازل کرده است.

**رسول، کریم، مکین، عند ذی العرش، مطاع و امین،** چنان که می‌فرماید: «انه لقول رسول کریم ذی قوه عند ذی العرش مکین مطاع ثم امین (نجم: ۱۹ - ۲۱)». یعنی این پیک وحی و واسطه نزول، خود رسولی است بزرگوار، نیرومند، دارای مقام و جایگاه، مورد اطاعت و پیروی و امین.

مقری، این صفت از آیه شریفه «اقرا باسم ربک الذی... اقرا و ربک الاکرم (اقرا: ۱ - ۲)» و آیه «ستقرئک فلا تنسی (اعلی: ۵۶)» مأخوذ است چرا که جبرئیل، قرآن را بر پیامبر (ص) قرائت

نمود.

### مطلب یازدهم: دستیاران پیک نزول

با تأمل در برخی از آیات قرآن کریم، می‌توان دریافت که جبرئیل در نزول وحی تنها نبوده است، بلکه همراهانی نیز داشته است و بسا مقام و وصف مطاع، اشارت به این حقیقت داشته باشد که این فرشته با عظمت الهی، فرمانروای فرشتگان تحت امرش می‌باشد. علامه طباطبایی در تقسیم آیه: «ینزل الملائکه بالروح من امره ... (نحل: ۲)»، می‌نویسد: بآیه برای مصاحبت است و منظور از ملائکه، فرشتگان وحی هستند که یاران جبرئیل می‌باشند.<sup>۳۰</sup>

### مطلب دوازدهم: واسطه یا وسائط

چنان که پیش از این نیز گفته شد؛ واسطه نزول قرآن بر پیامبر (ص) به نص خود قرآن، حضرت جبرئیل است. در این مطلب و در این که وی از خدا دریافت می‌کند تا به پیامبر (ص) برساند، تردیدی نیست، زیرا می‌فرماید: «... لجبریل فانه نزله علی قلبک باذن الله (بقره: ۹۷)»، و نیز فرمود: «قل نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ (نحل: ۱۰۲)». بسا بتوان از جمله «من ربک» دریافت مستقیم جبرئیل از مبدأ ربوبی را برداشت نمود.

اما با تأمل بیشتر در آیات قرآن، چنین استفاده می‌شود که جمله «من ربک» و «باذن الله» منشا و مبدا وحی است و از جهت وجود واسطه‌ای غیر از جبرئیل، ساکت است، بنابراین، واسطه‌ای بین جبرئیل و خدا، بعید نمی‌نماید. آن گونه که برخی از مفسران نیز احتمال آن را داده‌اند<sup>۳۱</sup> و ممکن است، این نظریه را به روایتی که مجلسی در بحار از پیامبر (ص) نقل می‌کند، تأیید نمود که آن حضرت، خطاب به ابن سلام می‌فرماید: آیا این آیه را نشنیدی که می‌گوید: «و السماء بیناها باید و انا لموسعون (طور: ۴۷)». وی در پاسخ گفت: آری. پرسید چه کسی این آیه را آورده است؟ فرمود جبرئیل. گفت از چه کسی؟ فرمود: از میکائیل. گفت: او از چه کسی؟ فرمود: از اسرافیل. گفت: او از چه کجا آورد؟ فرمود: از لوح محفوظ. گفت: لوح از کجا دریافت نمود؟ فرمود از قلم. گفت: قلم از کجا گرفته است؟ فرمود: «عن رب العالمین»<sup>۳۲</sup>.

### پی‌نوشت‌ها:

۱ - منظور از صفات تصریحی آن دسته از صفات است که در قرآن بدان تصریح شده است مانند: حکیم، عزیز، مجید.

- ۲ - بدین معنی که از مفاد فعل‌های ماضی و مضارع صفات پنهان و ناپیدا را شکار و آشکار و صفتی به دست آید، مانند وصف معلم برای پیامبر از آیه «یعلمهم الكتاب والحکمه (جمع: ۳)». و نیز هادی بودن قرآن از آیه «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم (اسراء: ۹)».
- ۳ - مراد از صفات اصلی، آن دسته از اوصاف قرآن است که از نظر ادبیات عرب خود در جایگاه موصوف قرار دارد، مانند کتاب، ذکر و ...
- ۴ - مقصود از صفت تبعی، آن دسته از صفات است که در قاموس ادبیات، اعراب متبوع خود را می‌گیرد، مثل: «انا انزلناه قرآنا عربیا (یوسف: ۲)».
- ۵ - سجده: ۲، یس: ۵، زمر: ۱، غافر: ۲، فصلت: ۴۲، جاثیه: ۲، احقاف: ۲ و حاقه: ۴۳.
- ۶ - رک: بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۱۴.
- ۷ - بدرالدین زرکشی در کتاب «البرهان» و جلال الدین سیوطی در کتاب «الاتقان»، پنجاه و پنج نام برای قرآن همراه با آیه مربوطه بیان می‌کند. فیروزآبادی به بیش از نود اسم اشاره کرده است. رک: زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۷۳ - ۲۷۶ و سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۵۰.
- ۸ - فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز، ج ۱، ص ۵۵.
- ۹ - در سوره غافر آیه ۲ تعبیر به «العزیز العظیم» دارد. و در سوره فصلت آیه ۲ تعبیر به «تنزیل من الرحمن الرحیم» دارد.
- ۱۰ - رک: مفاتیح الجنان، اعمال مشترک ماه رمضان.
- ۱۱ - رک: مفاتیح الجنان، اعمال مشترک ماه رمضان.
- ۱۲ - بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۳۳۲.
- ۱۳ - رک: تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۳۳۰. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۸۲. تفسیر موضوعی قرآن کریم (قرآن در قرآن)، ص ۷۰.
- ۱۴ - التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۸۷.
- ۱۵ - رک: الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱، ص ۱۹۴. التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۹۳.
- ۱۶ - الاتقان فی علوم القرآن، نوع ۶۳.
- ۱۷ - رک: ابن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ص ۱۳۰. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴. اقوال دیگری نیز وجود دارد چون: هیجدهم و نوزدهم رمضان، بیست چهارم و بیست و پنجم رمضان. رک: تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴.
- ۱۸ - التنبیه والاشراف، ص ۲۱۰. اقوال دیگری نیز گفته شده است از جمله: سوم، هشتم، دوازدهم.
- ۱۹ - رک: قرآن و پیامبر، مقاله سرآغاز بعثت و نزول قرآن، نوشته نگارنده، ص ۹ - ۱۵.
- ۲۰ - بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۱۹۰.
- ۲۱ - بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۱۸۹، ۱۹۰ و ۲۰۲. وسائل الشیعه، کتاب الصوم، باب ۱۵.
- ۲۲ - التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۸۰. الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱، ص ۱۹۵.
- ۲۳ - الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱، ص ۱۹۵.
- ۲۴ - التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۸۰.
- ۲۵ - تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۱۷۷. تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۷۷۵.
- ۲۶ - تفسیر بیضاوی، ج ۲، ص ۱۵۸.

- ۲۷ - التمهيد في علوم القرآن، ج ۱، ص ۹۳. الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۱، ص ۱۹۷.
- ۲۸ - ركن: تفسير برهان، ج ۴، ۴۷۸.
- ۲۹ - طبرسي، فضل بن الحسن، مجمع البيان، ج ۵، ص ۵۱۴.
- ۳۰ - الميزان، ۱۲ / ۲۰۶ و ۲۰۸.
- ۳۱ - فخر رازی، معتقد است ممكن است بين جبرئيل و خدا وسائلی وجود داشته باشند. ركن: الفخر الرازي، التفسير الكبير، ۱۸۹ / ۲۷.
- ۳۲ - بحار الانوار، المجلسي، محمدباقر، ۶۰ / ۲۴۳.

### فهرست منابع:

- قرآن کریم.
- الاتقان في علوم القرآن، ترجمه سيدمهدي حائري، انتشارات اميرکبير، تهران ۱۳۶۳ ش.
- انوار التنزيل و اسرار التاويل (تفسير بياضوي)، تاليف عبدالله بن عمر بياضوي، دارالفکر، بيروت.
- البرهان في علوم القرآن، زركشي، بدرالدين، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، المكتبة العصرية، بيروت.
- بحار الانوار، تاليف محمدباقر مجلسي، اسلاميه، تهران، ۱۳۶۶ ش.
- بصائر ذوی التمييز في لطائف الكتاب العزيز، فيروزآبادي، محمدبن يعقوب، المكتبة العلميه، بيروت.
- پژوهشی در تاريخ قرآن کریم، حجتي، سيدمحمدباقر، دفتر نشر فرهنگ اسلامي تهران، ۱۳۶۰ ش.
- تاريخ طبري، محمدبن جرير طبري، مکتب اروميه افست از الاستقامه بالقاهره، ۱۳۵۸ ق.
- تفسير كبير (مفاتيح الغيب) فخر رازی محمدبن عمر، مرکز النشر - مکتب الاعلام الاسلامي، قم، چهارم، ۱۴۱۳ ق.
- تفسير نمونه، نوشته ناصر مکارم شیرازي، دارالکتب الاسلاميه، تهران.
- التمهيد في علوم القرآن، معرفت، محمد هادي، موسسه اسماعيليان و مديريت حوزه علميه قم، قم، دوم، ۱۴۰۶ ق.
- التنبیه و الاشراف، تاليف ابالحسن علي بن حسين مسعودي، ترجمه ابوالقاسم پاينده، شرکت انتشارات علمي و فرهنگي، ج ۲، ۱۳۶۵ ش.
- سيره ابن اسحاق، محمدبن اسحاق بن يسار، تحقيق دکتر سهيل زكار، دارالفکر، طه ۱۳۹۸، اق.
- الصحيح تاج اللغة و صحاح العربيه، جوهری، اسماعيل بن حماد، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، دارالعلم للملایين، بيروت، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- الصحيح من سيره النبي الاعظم، نوشته جعفر مرتضى العالمی، قم، ۱۴۰۰ ق.
- قرآن در قرآن (تفسير موضوعی قرآن کریم)، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
- قرآن و پيامبر، مقاله سرآغاز بعثت و نزول قرآن، نوشته محمدفاکر ميبدی، نهاد نمايندگی مقام معظم رهبري در دانشگاهها، ۱۳۷۶ ش.
- الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، زمخشری، محمود بن عمر، ادب الحوزه.
- مجمع البيان في تفسير القرآن، طبرسي، فضل بن الحسن، مکتبه آية الله مرعشي نجفی، قم، ۱۴۰۳ ق.
- المصباح المنير، فيومي، احمدبن محمد، دارالهجرة، قم، دوم، ۱۴۱۴ ق.

معجم مفردات الفاظ القرآن، راجب اصفهانی، حسین بن محمد، تحقیق ندیم مرعشلی، دارالکتب العلمیه، قم.  
المیزان فی تفسیر القرآن، نوشته سیدمحمدحسین طباطبائی، جامعه مدرسین، قم.  
التهایه فی غریب الحدیث والاثار، نوشته ابن اثیر: مبارک بن محمد الجزری، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چهارم  
۱۳۶۷ ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی